

سلسلهٔ من یرد الله به خیراً یقتهه فی الدین ( )

خداوند به هر کس إرادة خیر داشته باشد او را در دین آگاهی میدهد.

( )

:

:

/

.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

### مقدمه مترجم

:

:  
زن در اسلام نقش مهمی را ایفاء می کند، بعضی از  
امتهای قبل هیچ حقی را برای زن قائل نبودند، و حق او را  
از او سلب می کردند، ولی اسلام تمامی حقوق مشروع را  
به زن بازگرداند.

زن نصف جامعه اسلام و بشریت را داراست، او مادر،  
خواهر، دختر، و و و می باشد.

در قرآن کریم و سنت پیامبر ﷺ هر خطابی که بر مرد  
می شود، زن نیز شامل آن است، و هیچ فرقی بین زن و  
مرد در شریعت اسلام وجود ندارد، تنها فرقی که بین زن  
و مرد است در میراث می باشد، آنهم بسبب اینکه مرد

مسئولیت کامل کانون خانواده را به عهده دارد، و اوست که باید نفقه و هزینه تمامی افراد خانواده را تهیه نماید، گرچه زن او تاجر هم باشد، نفقه زن بر عهده مرد است. ولی با اینحال خواستیم با ترجمه کردن این احادیث که ویژه خواهران می باشد، خدمتی به آنها کرده باشیم و بدانند که به فراموشی سپرده نشده اند. امید است خداوند این عمل را خالص برای رضایت خود بگرداند، و از خوانندگان محترم التماس دعا داریم.

برای ارتباط با مترجم می توانید به آدرس زیر تماس بگیرید:

: ( ) ص. پ: ( )

[www.aqeedeh.com](http://www.aqeedeh.com)

این مجموعه احادیث نبوی که متعلق به احکام شریعت است ویژه زنان می باشد، آنرا جمع کرده و ترتیب دادم و امیدوارم نفع آن به همگان برسد، کوشیدم که فقط چهل حدیث باشد آنهم بخاطر آسان بودن حفظ آن، و تاسی به علمای سابقین که در فنون مختلف چهل حدیث را جمع آوری می کردند، و آنرا ترتیب داده ام به روش کتاب و باب و تعداد آن به چهل و سه حدیث رسید، که بر خود لازم دانستم تا تمامی آن از احادیث شیخین (بخاری و مسلم) [متفق علیه] یا یکی از آنها، یا اینکه اهل و علمای حدیث حکم صحت و خوب به آن داده باشند.

به همین تعداد در شرح آن کتابی نوشته ام، از خداوند علی القدیر خواهانم آنرا از من قبول فرماید، و به من پاداش نیک

عطا فرماید، و از اشتباهاتم بگذرد و گناهانم را ببخشد، و  
نیتم را اصلاح نماید، و مرا در گفتار نیک و عمل صالح و  
دور از فتنه و آشوب بمیراند. آمین.

]

[

۱ - عبدالله بن عمر از رسول الله ﷺ روایت می‌کند که فرمودند: «لا تمنعوا نساءكم المساجد، وبيوتهن خير لهن»<sup>(۱)</sup>. زنان خود را از رفتن به مساجد منع نکنید، ولی خانه هایشان (برای نماز خواندن) بهتر (و ثواب بیشتر) از مساجد دارد.

[

]

۲ - عائشه از رسول الله ﷺ روایت می‌کند که فرمودند: «قد أذن أن تخرجن في حاجتكن»<sup>(۲)</sup>. برای قضای حاجات و برطرف کردن آن به شما اجازه خروج از خانه داده شده است.

[

]

۳ - عبدالله بن مسعود ﷺ از رسول الله ﷺ روایت می‌کند که فرمودند: «إنَّ المرأةَ عورةٌ فإذا خرجت استشرفها الشيطان، وأقرب ما

(۱) أبو داود وابن خزيمة.

(۲) متفق عليه.

تكون من وجه ربهما وهي في مقر بيتها»<sup>(۱)</sup>.

زن عورت است، و هنگامی که از خانه بیرون می‌رود شیطان او را زینت و آرایش می‌دهد، و نزدیکترین جا به خدایش درون خانه اش می‌باشد.

استشرفها الشيطان: او را در چشم های مردان زینت و آرایش می‌دهد تا به او نگاه کنند، تا آنها را فاسد کند.

]

[

۴ - عبدالله بن عمر روایت می‌کند که: ((كانت امرأة لعمر تشهد صلاة الصبح والعشاء في الجماعة في المسجد، فقيل لها: لم تخرجين وقد تعلمين أن عمر يكره ذلك ويغار؟ قالت: وما يمنعه أن ينهاني؟ قال: يمنعه قول رسول الله : لا تمنعوا إماء الله مساجد الله))<sup>(۲)</sup>.

یکی از زنان عمر نماز صبح و عشاء را در مسجد با جماعت ادا می‌کرد (در جماعت حضور می‌یافت)، پس به او گفته

(۱) صحیح. الترمذی وابن خزيمة، وابن حبان.

(۲) البخاری.

شد: چرا از خانه بیرون می‌روی (و نماز را با جماعت می‌خوانی) در حالیکه می‌دانی عمر از این کار خوشش نمی‌آید! در جواب گفت: چه چیز او را باز می‌دارد که مرا از این کار نهی کند؟ در جواب به او گفته شد: قول رسول الله ﷺ که می‌فرماید: کنیزان خدا (زنان) را از رفتن به مساجد منع مکنید.

]

[

۵ - أبو موسیٰ أشعری س از رسول الله ﷺ روایت می‌کند که فرمودند: «إِذَا اسْتَعْطَرَتِ الْمَرْأَةُ فَمَرَّتْ عَلَى الْقَوْمِ لِيَجِدُوا رِيحَهَا فَهِيَ كَذَا وَكَذَا، قَالَ قَوْلًا شَدِيدًا، وَفِي لَفْظٍ: فَهِيَ زَانِيَةٌ»<sup>(۱)</sup>.

اگر زن به خود عطر و بوی خوش زد و بر قومی (مردان) عبور کرد تا بوی او را بشنوند، پس او چنین و چنان است، سخنی بسیار شدید و غلیظی، و در لفظ دیگر: پس او زنا کار است.

(۱) حسن صحیح أخرجه أبو داود والترمذی والنسائی.



]

[

۶ - فضالة بن عبید رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه و آله روایت می کند که فرمودند: «ثلاثة لا تسأل عنهم: رجل فارق الجماعة وعصى إمامه فمات عاصياً، وأمة أو عبد أبق من سيده فمات، وامرأة غاب عنها زوجها وقد كفاها مؤونة الدنيا فتبرجت بعده، فلا تسأل عنهم»<sup>(۱)</sup>.

سه نفر از آنها سؤال و پرسش مکن (که عذابشان شدید و دردناک است): مردی که از جماعت مسلمانان مفارقت کرد، و به امام و فرمانروای خود عصیان نمود، و در همان حالت فوت کرد، یعنی در حالت عصیان خود به امام فوت کرد.

و کنیز و برده ای که از ارباب خود فرار کرده فوت می کند، و زنی که شوهرش غایب است در حالیکه از متاع و خوشی دنیا همه چیز برایش فراهم کرده سپس با اینحال تبرج می کند. پس دیگر از اینها سؤال و پرسش مکن که عذابشان دردناک است. تبرج: آشکار کردن زینت و آرایش خود برای مردان.

(۱) صحیح، أخرجه أحمد والبخاري في الأدب المفرد والحاكم.

[ ]  
 ۷ - عبدالله بن عباس از رسول الله ﷺ روایت می‌کند که فرمودند: «لا تسافر المرأة إلا مع ذي محرم، ولا يدخل عليها رجل إلا ومعها محرم، فقال رجل: يا رسول الله إني أريد أن أخرج في جيش كذا وكذا، وامرأتي تريد الحج، فقال: اخرج معها». [متفق عليه].  
 زن مسافرت نکند مگر اینکه با محرم خود باشد.  
 و هیچ مردی بر او داخل نشود، مگر اینکه با او محرم باشد، یکی از صحابه گفت: ای رسول خدا! من می‌خواهم با جیش و لشکر فلانی برای جنگ بروم، و زنم می‌خواهد به حج برود، رسول الله ﷺ فرمود: با زن خود به حج برو.

[ : ]  
 ۸ - نافع از عبدالله بن عمر از رسول الله ﷺ روایت می‌کند که فرمودند: «لو تركنا هذا الباب للنساء، قال نافع: فلم يدخل منه ابن عمر حتى مات»<sup>(۱)</sup>.

(۱) حسن أخرج أبو داود.

اگر این دروازه را فقط برای زنان می گذاشتیم، (یعنی فقط ویژه زنان بود) نافع گوید: ابن عمر بعد از این سخن از آن دروازه داخل نشد تا اینکه فوت نمود.

[ : ]  
 ۹ - أبو أسید الأنصاری رضی الله عنه - در حالی که از مسجد بیرون می رفت و مردان با زنان در راه با هم اختلاط می کردند و در هم می آمیختند - از رسول الله صلی الله علیه و آله شنید که به زنان چنین فرمودند:  
 «استأخرن فإنه ليس لكن أن تحقن الطريق، عليكم بحافات الطريق، فكانت المرأة تلتصق بالجدار حتى إن ثوبها ليلعلق بالجدار من لصوقها به»<sup>(۱)</sup>.

ای زنان کنار روید که برای شما به وسط راه رفتن جایز نیست، بر شماست که از کنار راه و جاده بروید، پس زن خود را به دیوار می چسباند تا اینکه لباسش به دیوار می چسبید، چون به شدت خود را به دیوار می چسباند تا برود.

(۱) حسن أخرجه أبوداود.

[ : ]

۱۰ - عن ابن جریج قال أخبرني عطاء - إذ منع ابن هشام النساء الطواف مع الرجال - قال: كيف يمتنعن وقد طاف نساء النبي ﷺ مع الرجال؟ قلت: أبعد الحجاب أو قبل؟ قال: أي لعمري لقد أدركته بعد الحجاب، قلت: كيف يخالطن الرجال؟ قال: لم يكن يخالطن، كانت عائشة تطوف حجرة من الرجال لا تخالطهم»<sup>(۱)</sup>.

(عبدالملک) ابن هشام هنگام فرمانروائی خود طواف کردن زنان را با مردان منع کرد، گفت چگونه آنها را منع می‌کند در حالیکه زنان پیامبر ﷺ با مردان طواف می‌کردند، گفتم: این حادثه بعد از نزول حجاب (فرض شدن حجاب) بود (یعنی طواف کردن زنان با مردان)؟ گفتم: ای والله من این را بعد از فرض شدن حجاب بر زنان) دیدم، گفتم: چگونه با مردان اختلاط می‌کردند؟ گفتم: با مردان اختلاط نمی‌کردند، عایشه در حال طواف از یک کنار مردان رفته و طواف می‌کرد و با آنها اختلاط نمی‌کرد.

---

(۱) البخاري.

[ : ]  
 ۱۱ - عقبه بن عامر رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه و آله روایت می‌کند که فرمودند: «إياكم والدخول على النساء، فقال رجل من الأنصار: يا رسول الله أفرأيت الحو؟ قال: الحو الموت»<sup>(۱)</sup>.  
 وای بر شما که بر زنان داخل شوید - با زنان خلوت کنید - مردی از انصار گفت: ای رسول الله ما را از دخول حمو با خیر کن؟ آنحضرت صلی الله علیه و آله فرمود: الحمو: الموت، یعنی مرگ است<sup>(۲)</sup>.

[ : ]  
 [ : ]  
 ۱۲ - أبو هريرة رضی الله عنه روایت می‌کند که زنانی نزد رسول الله صلی الله علیه و آله آمدند و گفتند: «يا رسول الله ما نقدر عليك في مجلسك من الرجال،

(۱) متفق علیه.

(۲) حمو: یعنی مردی از نزدیکان شوهر.

یعنی خلوت کردن نزدیکان شوهر با زن مرگ آور است.  
 در داخل شدن برادر شوهر و امثال آنها بر زن هیچ شك و تردیدی نمی‌شود ولی رسول الله صلی الله علیه و آله از این نمی‌شدید کردند که این ممکن است باعث فتنه و فحشا گردد.

فواعدنا منك يوماً نأتیک، فقال: موعدکن بیت فلان، وأتاهن فی ذلك الیوم ولذلك الموعد قال: فكان مما قال لهن یعنی ما من امرأة تقدم ثلاثاً من الولد تحتسبهن إلا دخلت الجنة، فقالت امرأة منهن: أو اثنان قال: «أو اثنان»<sup>(۱)</sup>.

ای رسول خدا نمی توانیم در مجالس مردان شرکت کنیم، پس برای ما یک روز وعده بگذار تا در آن روز نزد تو بیاییم (برای کلاس درس)، رسول خدا ﷺ در جواب فرمودند: وعده شما در خانه فلانی، و در همان روز در موعد گذاشته شده، آمد و از آنچه به زنان گفته بود این حدیث بود: هیچ زنی نیست که سه فرزند خود را از دست ندهد و اجر و پاداش را از خدا بخواهد، مگر اینکه به بهشت وارد می شود، زنی گفت: اگر دو فرزند باشد؟! فرمودند: اگر هم دو فرزند باشد.

(۱) صحیح، أخرجه أحمد وابن حبان.

[ : ]

۱۳ - أبو ساعد الخدری رضی اللہ عنہ روایت می کند که رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: إذا وضعت الجنازة واحتملها الرجال على أعناقهم فإن كانت سالحة قال: قدموني، وإن كانت غير سالحة قالت: يا ويلها أين يذهبون بها؟ يسمع صوتها كل شيء إلا الإنسان ولو سمعه لصعق<sup>(۱)</sup>.

هنگامی که جنازه گذاشته می شود و مردان آنرا بر دوش خود حمل می کنند، اگر شخص صالح بود، می گوید: مرا بجلو ببرید، و اگر بدکار بود می گوید: وای بر او، او را به کجا می برید، همه چیز صدای او را می شنوند مگر انسان و اگر انسان صدای او را بشنود بی هوش می شود.

[ : ]

۱۴ - از أبو المليح الهذلی روایت است که بعضی از زنان شهر (حمص)<sup>(۲)</sup> اجازه دخول به عایشه خواستند.

عائشه گفت: ممکن است شما از کسانی باشید که به حمامهای

---

(۱) البخاري.

(۲) حمص: در حال حاضر یکی از شهرهای کشور سوریه می باشد.

عمومی (استخر شنا) داخل می شوند.

از رسول الله ﷺ شنیدم که می فرمود: «أَيُّ امْرَأَةٍ وَضَعَتْ ثِيَابَهَا فِي غَيْرِ بَيْتِ زَوْجِهَا فَقَدْ هَتَكَتْ سِتْرَ مَا بَيْنَهَا وَبَيْنَ اللَّهِ»<sup>(۱)</sup>.  
هر زنی لباس خود را در غیر از خانه شوهرش بیرون آورد او ستر و پرده بین خود و بین خدا را پاره کرده است.

]

[

۱۵ - عبدالله بن مسعود رضي الله عنه روایت می کند که رسول الله ﷺ فرمودند: «لَا تَبَاشِرِ الْمَرْأَةَ الْمَرْأَةَ فَتَنَعْتَهَا»<sup>(۲)</sup> لزوجهها، كَأَنَّهُ يَنْظُرُ إِلَيْهَا»<sup>(۳)</sup>.  
نباید دو زن با جسمی برهنه به هم بچسبند، و آنرا برای شوهر خود توصیف ننماید، چنانکه گویا شوهرش به طرف آن زن نگاه می کند.

(۱) صحيح أخرجه الترمذي وابن ماجه.

(۲) تباشر: جلد و جسم او به جلد و جسم زن دیگر بدون لباس (برهنه) برسد.  
تنعتها: توصیف نماید.

(۳) البخاري.



] [ ]  
 ۱۶ - أبو هريره رضی اللہ عنہ روایت می کند که رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند:  
 ((التسبیح للرجال، والتصفیق للنساء))<sup>(۱)</sup>.  
 تسبیح گفتن برای مردان است، و دست به هم زدن برای زنان  
 است.  
 این موضوع در وقت نماز است که وقتی امام اشتباه کرد مردان  
 می گویند: (سبحان الله) و زنان دو دست خود را به هم می زنند.

: ] [ ]  
 ۱۷ - أم عطیه روایت می کند که: ((أخذ علينا النبي صلی اللہ علیہ وسلم عند  
 البیعة أن لا ننوح، فما وفت منا امرأة غیر خمس نسوة))<sup>(۲)</sup>.  
 رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم هنگام بیعت با او، عهد و پیمان بست که بر

---

 (۱) متفق علیه.

(۲) متفق علیه.

شخص مرده نیاخت<sup>(۱)</sup> نکنیم، و بجز پنج زن بقیه به این عهد و پیمان وفا نکردند.

: ]

[

۱۸ - أسماء بنت ابی بکر روایت می کند که رسول الله ﷺ بر جمعی از زنان که در مسجد نشسته بودند عبور کرد و با دست خود بطرف ایشان اشاره به سلام نمود، و فرمود: «إياكن وكفران المنعمین، إياكن وكفران المنعمین»<sup>(۳)</sup>.

بر حذر باشید از این که بر نعمت خدا کافر شوید، و آنرا دو بار تکرار نمودند.

(۱) النياحه: گریه و زاری با صدای بلند، و آنچه بدان ملحق می شود از به سر و صورت خود زدن، و جامه خود را پاره کردن و موی خود را تراشیدن، و غیر از اینها.

(۲) كفران: المنعمین: این که زن درباره شوهرش بگوید: بخدا سوگند يك ساعت هم از او خیری ندیدم.

(۳) صحيح أخرجه أحمد وأبوداود، والترمذي والبخاري في الأدب المفرد.

:]

[

۱۹ - انس رضی الله عنه روایت می‌کند که رسول الله صلی الله علیه و آله بر زنی که بر قبری ایستاده و گریه می‌کرد عبور کرد و فرمود: «انقي الله واصبري»<sup>(۱)</sup>.  
تقوا پیشه کرده صبر کن.

:]

[

۲۰ - انس رضی الله عنه روایت می‌کند که: «جاءت امرأة إلى رسول الله صلی الله علیه و آله تعرض عليه نفسها، قالت: يا رسول الله ألك إلى حاجة؟ فقالت: بنت أنس: ما أقل حياءها واسوأها، قال: هي خير منك، رغبت في النبي صلی الله علیه و آله فعرضت عليه نفسها»<sup>(۲)</sup>.

زنی آمد و خود را برای ازدواج با رسول الله عرضه نمود و گفت: آیا مرا برای ازدواج با خود می‌خواهی؟ دختر آنس گفت:

(۱) متفق علیه.

(۲) البخاري.

وای بر من، چقدر این زن بی حیا است، آنس در جواب به دخترش گفت: این زن از تو بهتر است، او آرزوی ازدواج با پیامبر را داشت، و خود را به او عرضه نمود.

] :

[

۲۱ - عبدالله بن عباس روایت می‌کند که: «أَنَّ جَارِيَةَ بَكْرًا  
أَتَتْ النَّبِيَّ ﷺ فَذَكَرَتْ أَنَّ أَبَاهَا زَوَّجَهَا وَهِيَ كَارِهَةٌ، فَخَيَّرَهَا النَّبِيُّ  
ﷺ»<sup>(۱)</sup>.

دختری باکره نزد رسول الله ﷺ آمد و گفت که پدرش او را به ازدواج کسی در آورده که او را نمی‌خواهد و کراهت دارد، رسول الله ﷺ او را به اختیار خودش گذاشت. یعنی به او اختیار داد که اگر بخواهد نزد او بماند، وگرنه او را ترک کند.

(۱) صحیح أخرجه أبوداود وابن ماجه.

:]

[

۲۲ - أم بشر گوید: «أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ خَطَبَ امْرَأَةَ الْبَرَاءِ بْنِ مَعْرُورٍ، فَقَالَتْ: إِنِّي شَرِطْتُ لِرَوْحِي أَنْ لَا أُتَزَوِّجَ بَعْدَهُ، فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: إِنَّ هَذَا لَا يَصْلِحُ»<sup>(۱)</sup>.

رسول الله ﷺ از زن البراء بن معرور خواستگاری کرد، زن در جواب گفت: من با شوهرم شرط بسته ام که بعد از مرگ او با دیگری ازدواج نکنم، رسول الله ﷺ در جواب فرمود: این شرط جایز نیست.

:] ( )

[

۲۳ - ثوبان ؓ روایت می کند که رسول الله ﷺ فرمودند: «أَيُّهَا امْرَأَةُ سَأَلْتِ زَوْجَهَا الطَّلَاقَ فِي غَيْرِ مَا بَأْسَ، فَحَرَامٌ عَلَيْهَا رَائِحَةُ الْجَنَّةِ»<sup>(۲)</sup>.

(۱) حسن أخرجه الطبراني في المعجم الكبير والصغير.

(۲) خلع: طلاق دادن زن با گرفتن مالی از او، یا بخشیدن کابین خودش.

(۳) صحیح رواه أصحاب السنن.

هر زنی که بدون هیچ سبب از شوهرش طلاق بخواهد بوی بهشت بر او حرام خواهد بود، یعنی بهشت را نخواهد دید.

: ]

[

۲۴ - ربیع بنت معوذ روایت می کند که: «جاء النبي ﷺ یدخل حین بُني عليّ، فجلس علی فراشي كمجلسك مني، فحعلت جویریات لنا یضربن بالدف ویندین من قتل من آبائي يوم بدر إذ قالت إحداهن: وفینا نبي یعلم ما فی غد، فقال: دعی هذه وقولي بالذي كنت تقولين»<sup>(۱)</sup>.

وقتی عروسی کردم پیامبر آمد و چنانکه تو نشستی نشست، و بعضی از دخترهای (کوچک) برایمان دف زده و از پدرانمان که در غزوه بدر کشته شده بودند مرثیه می گفتند، و یکی از آن دختران گفت: و در بین ما پیامبری است که آنچه فردا خواهد بود می داند، آنحضرت ﷺ فرمود: این جمله را بگذار و آنچه قبل از این

(۱) البخاري.

می‌گفتی بگو، مقصود انکار از (غیب دانستن پیامبر ﷺ می‌باشد).

[ : ]

۲۵ - از عبدالله بن ابی اوفی رضی الله عنه روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند: «لو كنت امرأةً أحداً أن يسجد لغير الله، لأمرت المرأة أن تسجد لزوجها، والذي نفس محمد بيده لا تؤدي المرأة حق ربها حتى تؤدي حق زوجها، ولو سأها نفسها وهي على قنب<sup>(۱)</sup> لم تمنعه»<sup>(۲)</sup>.

اگر امر می‌کردم که شخصی برای غیر از خدا سجده کند، امر می‌کردم که زن برای شوهر خود سجده کند، سوگند به کسی که جانم در دست اوست، زن حق خدا را ادا نمی‌کند [یعنی از او قبول نمی‌شود] تا اینکه حق شوهرش را ادا نماید، اگر از زن خود چیزی بخواهد، گرچه بر زین شتری هم باشد او را اجابت کرده و امتناع نمی‌ورزد.

(۱) قنب: زینی که بر کوهان (سنام) شتر گذاشته میشود، کنایه بر این است که فوراً امر او را اجابت می‌کند.

(۲) صحیح أخرجه أحمد وابن ماجه وابن حبان.

:]

[

۲۶ - أبوهريه رضي الله عنه از رسول الله صلى الله عليه وآله روایت می کند که فرمودند: «إِذَا بَاتَت الْمَرْأَةُ مَهَاجِرَةً فِرَاشَ زَوْجِهَا، لَعْنَتُهَا الْمَلَائِكَةُ حَتَّى تَرْجِعَ»<sup>(۱)</sup>.  
 اگر زن فراش شوهرش را ترک کند، فرشتگان همچنان او را لعنت می کنند تا اینکه به فراشش باز گردد.

:] ( )

۲۷ - عبدالله بن عباس روایت می کند که رسول الله صلى الله عليه وآله فرمودند: «أُرِيتِ النَّارَ، فَإِذَا أَكْثَرَ أَهْلِهَا النِّسَاءَ، يَكْفُرْنَ قَيْلًا: أَيْ كَفَرْنَ بِاللَّهِ؟ قَالَ: يَكْفُرْنَ الْعَشِيرَ، وَيَكْفُرْنَ الْإِحْسَانَ، لَوْ أَحْسَنْتَ إِلَى إِحْدَاهُنَّ الدَّهْرَ ثُمَّ رَأَتْ مِنْكَ شَيْئًا قَالَتْ: مَا رَأَيْتِ مِنْكَ خَيْرًا قَطُّ»<sup>(۲)</sup>.  
 آتش جهنم به من نشان داده شد، و دیدم که بیشترین أهل و مردمان آن زنها را تشکیل می دهند، چون کفر می ورزند، گفته شد: به خدا کفر می ورزند؟ فرمود: به شوهر خود کفر می ورزد، و به

(۱) متفق عليه.

(۲) متفق عليه.



نیکی‌های او کفر می‌ورزند، اگر به یکی از آنها یک دنیا نیکی و خوبی بکنی، و یک خطا و اشتباه و بدی از تو ببیند، می‌گوید: هرگز و هیچ خیری از تو ندیده‌ام.

: ]

[

۲۸ - از عائشه روایت است که: «أَنَّ امْرَأَةً مِنَ الْأَنْصَارِ زَوَّجَتْ ابْنَتَهَا، فَتَمَعَطَ شَعْرَ رَأْسِهَا، فَجَاءَتْ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَذَكَرَتْ ذَلِكَ لَهُ، فَقَالَتْ: إِنَّ زَوْجَهَا أَمَرَنِي أَنْ أَصِلَ فِي شَعْرِهَا، فَقَالَ: لَا، إِنَّهُ قَدْ لُعِنَ الْمُوصَلَاتُ»<sup>(۱)</sup>.

زنی از انصار دخترش را به ازدواج یکی بیرون آورد، و موهای سرش افتاد، و به نزد پیامبر ﷺ آمد و جریان را به او عرض نمود، و گفت: شوهرش به من امر کرده که برای او موهای دیگری (باروکه) بیاورم، آنحضرت ﷺ فرمودند، خیر اینکار مکن، چون کسانی که مو را وصل می‌کنند، لعنت شده‌اند.

(۱) موصلات: کسانی که مو را به موی دیگر می‌رسانند و متصل می‌کنند.

(۲) متفق علیه.

:]

[

۲۹ - رسول الله ﷺ فرمودند: «لا يجوز للمرأة أمر في مالها إذا

ملك زوجها عصمتها»<sup>(۱)</sup>.

جایز نیست که زن وقتی شوهر کرد از مال خود هدیه کند مگر

با اجازه شوهرش<sup>(۲)</sup>.

---

(۱) صحیح أخرجه أحمد والحاكم والنسائي وابن ماجه. وزاد: «إلا بإذن زوجها»، والنسائي بلفظ «هبة»، ولفظ: «عطية»، بدلاً من «أمر».

(۲) در کتاب (عون المعبود شرح سنن أبي داود ۹/ ۴۶۲-۴۶۳) در شرح حدیث بطور خلاصه چنین آمده:

مقصود از مال خود، چون عقل و خرد زنان کم است، ناقص العقل هستند، پس نباید در مال خود تصرف کند مگر با مشورت شوهر خود، آنهم از باب ادب و استحباب، پس اینجا نهی تنزیهی است، نه تحریمی، این قول بعضی از علماء است. علماء دیگر من جمله: اللیث بن سعد گفته اند: این بطور مطلق است، پس اگر هم زن رشید و عاقل باشد برایش جایز نیست که در مال خود تصرف کند نه در مقدار ثلث آن و نه هم کمتر مگر اینکه مال ناچیزی باشد طاووس و مالک گفته اند که: جایز است که به اندازه ثلث و کمتر از آن صدقه دهد، اما بیشتر از آن باید با اجازه شوهر باشد.

:]

[

۳۰ - جابر بن عبدالله رضی الله عنه گوید: «هلك أبي وترك سبع بنات أو تسع، فتزوجت امرأة ثيباً فقال لي رسول الله ﷺ: تزوجت يا جابر؟ فقلت: نعم، فقال: بكرة أم ثيباً؟ قلت: بل ثيباً، قال: فهلا جارية تلاعبها وتلاعبك، وتضحكها وتضحكك؟ قال: فقلت له: إنَّ عبدالله هلك وترك بنات، وإني كرهت أن أجيئن بمثلهن، فتزوجت امرأة تقوم عليهن وتصلحن، فقال: بارك الله لك، أو خيراً»<sup>(۱)</sup>.

پدرم فوت کرد و هفت یا نه دختر بجا گذاشت، و من با زنی ثیبه (بیوه) ازدواج کردم، رسول الله ﷺ به من گفت: ای جابر! آیا

و جمهور علماء گفته اند که: جایز است که بطور مطلق و قطعی در مال خود تصرف کند بدون اجازه شوهر در مال خود تصرف کند، اگر نادان و ناخرد نباشد، و گرنه جایز نیست.

و در حدیث دیگری آمده که رسول الله ﷺ وقتی برای زنان خطبه ویژه ای خواند فرمود: صدقه بدهید: زن گوشواره و انگشتر خود را می انداخت و بلال رضی الله عنه آنرا در جامه ی خود جمع می کرد، و این دلالت بر این دارد که بدون اجازه شوهر بوده است.

(۱) متفق علیه.

ازدواج کرده ای؟ گفتم: بلی، آنحضرت ﷺ فرمود: باکره یا ثیبه (با دختر و یا با زن)؟ گفتم با ثیبه، فرمود: آیا با دختری ازدواج نکردی که با او بازی کنی و او با تو بازی کند، و با او بخندی، و او با تو بخندد؟ جابر: به آنحضرت ﷺ گفتم: عبدالله (پدرم) فوت کرد و دخترها را بجا گذاشت، و کراهت داشتم که مانند آنها با دختری ازدواج کنم، پس با زنی ازدواج کردم تا سرپرستی آنها را به عهده بگیرد، رسول الله ﷺ فرمود: خدا به تو برکت دهد، یا فرمود: خوب کردی.

[ : ]

۳۱ - عائشه روایت می کند که: «أَنَّ هِنْدًا بِنْتَ عَتَبَةَ قَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ أَبَا سَفِيَانَ رَجُلًا شَحِيحًا، وَلَيْسَ يَعْطِينِي مَا يَكْفِينِي وَوَلَدِي إِلَّا مَا أَخَذْتُ مِنْهُ وَهُوَ لَا يَعْلَمُ، فَقَالَ: خَذِي مَا يَكْفِيكَ وَوَلَدَكَ بِالْمَعْرُوفِ»<sup>(۱)</sup>.

هند دختر عتبه گفت: ای رسول خدا! ابو سفیان مرد بخیلی

(۱) متفق علیه.

است، و به من چیزی که کفایت خود و فرزندم باشد نمی‌دهد، مگر آنچه که من بدون علم او از او بگیرم، و او نداند. حضرت ﷺ فرمود: آنچه که برای خود و فرزندت کفایت کند بطور معروف (عدم اسراف) از او بگیر، (و مهم نیست که او نداند).

:]

[

۳۲ - از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت است که گفت: ((لعن الله

الواشعات والمستوشعات، والنامصات والمتنمصات، والمتفلجات

للحسن المغیرات خلق الله، ما لي لا ألعن من لعن النبي ﷺ، وهو في

كتاب الله: ﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾<sup>(۱)</sup>.

خداوند خالكوب و خالكوب کننده و نامص (باریک کردن ابرو، و کسیکه برای دیگری اینکار را انجام می‌دهد) و کسانی که بین دندانهای خود فاصله قرار می‌دهند، و می‌گشایند (برای زیبایی) و اینها همه از تغییر خلق و آفریده خداست، لعنت کرده است، پس چرا من کسانی که پیامبر آنها را لعنت کرده، لعنت نکنم، و آنها در

(۱) متفق علیه.

کتاب خداست که می‌فرماید: آنچه را رسول خدا برای شما آورده بگیرید (و اجرا کنید) و آنچه نهی کرده خوداری نمائید، و از (مخالفت) خدا پرهیزید.

: ]

[ ( )

۳۳ - أبو هریره رضی الله عنه روایت می‌کند که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند:  
 «صنفان من أهل النار لم أرهما: قوم معهم سياط كأذناب البقر يضربون بها الناس، ونساء كاسيات عاريات مميلات مائلات رؤوسهن كأسنة البخت المائلة، لا يدخلن الجنة ولا يجدن ريحها، وإن ريحها ليوجد من مسيرة كذا وكذا»<sup>(۱)</sup>.

دو صنف از اهل آتش اند که آنها را ندیده‌ام، مردمانی هستند که تازیانه دارند مانند دم گاو، با آن به مردم می‌زنند، و زنانی هستند برهنه و عریان که لباسهای تنگ و شفاف و کوتاه بر تن

(۱) مسلم.

می‌کنند، و از طاعت و فرمان خدا منحرف اند، و زنان دیگر را بطرف خود کشانده فاسد می‌کنند، و (موی) سرشان مانند سنام و کوهان شتر است که به اینطرف و آنطرف می‌رود، اینها به بهشت داخل نمی‌شوند، و بوی بهشت هم به مشامشان نمی‌رسد، در حالیکه بوی بهشت از مسافت چنین و چنان به مشام می‌رسد<sup>(۱)</sup>.

] :

[

۳۴ - سعید بن المسیب : گوید: معاویه رضی الله عنه به مدینه آمد و خطبه خواند و کبه ای از مو بیرون آورد و گفت: فکر می‌کردم بجز یهود کسی دیگر اینکار را نمی‌کند، به رسول خدا صلی الله علیه و آله این کار

---

(۱) در روایتی است که بوی بهشت از مسافت چهل سال به مشام می‌رسد.  
کاسیات: زنی که لباسهای تنگ و شفاف و کوتاه می‌پوشد.  
مائلات: از طاعت و فرمان خدا منحرف هستند.  
میملات: غیر از خود زنان دیگر را بطرف خود و عمل خود می‌کشانند (و فاسد می‌کنند).  
البخت: نوعی از شتر است که کوهان و سنام بزرگ دارد.  
السنام: کوهان شتر.

(رسیدن مو به موی سر زن) رسید، و آنرا جعلی و زور نامید.

کبه: موی روی هم ریخته.

و در روایتی: «أَنَّ مَعَاوِيَةَ قَالَ ذَاتَ يَوْمٍ: إِنَّكُمْ قَدْ أَحْدَثْتُمْ زِي سَوْءًا، وَإِنَّ نَبِيَّ اللَّهِ ﷺ نَهَى عَنِ الزُّورِ، قَالَ: وَجَاءَ رَجُلٌ بَعْضًا عَلَى رَأْسِهَا خِرْقَةٌ، قَالَ مَعَاوِيَةُ: أَلَا وَهَذَا الزُّورُ، قَالَ قَتَادَةُ (الرَّوَايَةُ عَنِ سَعِيدٍ) يَعْنِي مَا تَكْثُرُ بِهِ النِّسَاءُ أَشْعَارَهُنَّ مِنَ الْخِرْقِ»<sup>(۱)</sup>.

روزی معاویه رضی الله عنه گفت: بین شما لباسی بدی ظاهر شده و پدید آمده، پیامبر صلی الله علیه و آله از دروغ و باطل نهی کرده است، ابن المسیب گوید: در این حال مردی وارد شد و عصایی داشت و بر سر و نوک عصا تکه پارچه ای بود، معاویه گفت: این همان زور و جعلی و دروغ و باطل است.

قتاده راوی حدیث از سعید بن المسیب گفت: یعنی آنچه زنان به موهای خود از تکه پارچه ها وصل می کنند.

(۱) مسلم.



:]

[

۳۵ - از عائشه : «أَنَّ امْرَأَةً قَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَقُولُ إِنَّ زَوْجِي أَعْطَانِي مَا لَمْ يَعْطِنِي؟ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الْمَتَشَبِعُ بِهَا لَمْ يَعْطِ كَلَابِسَ ثَوْبِي زَوْراً»<sup>(۱)</sup>.

زنی به رسول الله ﷺ گفت: (به زن شوهرم می‌گویم) که شوهرم به من (این و آن) را داده، در حالیکه در حقیقت چیزی به من نداده، (کنایه از افتخار کردن مقابل زن شوهر)، رسول الله ﷺ فرمودند: تظاهر کننده به آنچه به او داده نشده مانند کسی است که لباس دروغین پوشیده<sup>(۲)</sup>.

(۱) متفق علیه.

(۲) در فتح الباری شرح صحیح البخاری ۹ / ۳۱۷-۳۱۸ آمده که: تظاهر کننده به آرایش و زینت به آنچه نزد او نیست، مانند زنی است که نزد مردی است، و این مرد زن دیگری دارد، پس این زن نزد زن دیگر ادعا و افتخار می‌کند من نزد شوهرم چنین و چنان هستم (کنایه از اینکه مرا بیشتر دوست دارد و به من چیزها می‌دهد) و نزد او مقام و منزلتی خیلی خوب دارم، می‌خواهد که زن دیگر را به خشم و غضب بیاورد.

[  
]
   
۳۶ - أبو سعید الخدری رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه و آله روایت می کند که فرمودند: «كانت امرأة من بني إسرائيل قصيرة تمشي مع امرأتين طويلتين فانخذت رجلين من خشب، وخاتماً من ذهب مُغلق مُطبق ثم حشته مسكاً، وهو أطيب الطيب، فمرت بين امرأتين فلم يعرفوها، فقالت بيدها هكذا، ونفض شعبة (أحد الرواة يده)»<sup>(۱)</sup>.

زنی از زنان بنی اسرائیل کوتاه قد بود، و با دو زن بلند قد می رفت، این زن دو پای تخته ای و یک انگشتر از طلا که بسته بود برای خود گرفت و آنرا پر از عطر مشک نمود، و مشک از بهترین عطرهاست، پس بین آن دو زن بلند قد رفت و آنها او را

---

وقول: (كلايس ثوبي الزور): مانند مردی است که لباس زاهدان و پارسایان و پرهیزکاران می پوشد، و به مردم نشان می دهد که از از جمله آنهاست، ولی در حقیقت امر چنین نیست.

و امام خطابی می گوید: مقصود از لباس مثل است، و معنای آن این که دروغگو است.

(۱) مسلم.

نشناختند، و زن با دست خود بطرف آنها اشاره کرد<sup>(۱)</sup>.

[ ] :

[

۳۷ - از ابن عباس روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند:

((ليس على النساء الحلق، إنّما على النساء التقصير))<sup>(۲)</sup>.

بر زنان تراشیدن سر جایز نیست، بلکه بر آنها جایز است که موهای خود را کوتاه کنند.

[ ] :

۳۸ - از عائشه روایت است که: ((أومت امرأة من وراء

ستر بیدها کتاب إلى رسول الله ﷺ فقبض النبي ﷺ يده، فقال: ما أدري

(۱) در شرح امام نووی بر صحیح مسلم ۹/۱۵ چنین آمده: حکم این عمل که زن انجام داد در شریعت اسلام اگر قصد و نیت او خوب باشد مانند اینکه پوشیدن خود را بخواهد تا اذیت و آزار نبیند، جایز است، اما اگر قصد افتخار و تکبر و تشبه به کسانی که کامل هستند و بلند قد می باشند را داشته باشد، و مردان را گول بزند که او بلند قد است، این عمل حرام است.

(۲) حسن أخرج أبو داود والدارقطني والطبراني وأخرجه الترمذي والنسائي من حديث علي ﷺ.

أيد رجل أم يد امرأة قالت: بل امرأة، قال: لو كنت امرأة لغيرت أظفارها، يعني بالحناء<sup>(۱)</sup>.

زنی با دست خود از پشت پرده و حجاب نامه ای را به رسول الله ﷺ داد، آنحضرت ﷺ دست خود را کشید، و آنرا نگرفت، و فرمود: نمی دانم این دست مردی است یا دست زن، زن گفت: بلکه دست زن است، آنحضرت ﷺ در جواب فرمود: اگر دست زن بود ناخنهای خود را با حنا تغییر می داد<sup>(۲)</sup>.

: ]

[

۳۹ - از عبدالله بن عمر روایت است که رسول الله ﷺ

(۱) حسن أخرجه أبوداود والنسائي.

(۲) کنایه بر انکار آنحضرت ﷺ بر زن است که چرا ناخنهای خود را با حنا رنگ نکرده، چون آنحضرت ﷺ ندانست که این دست زن است یا دست مرد، به همین سبب دست خود را کشید و نامه را نگرفت که مبادا دست زن باشد، و او ﷺ با زنان دست نمی گیرد، و بیعت با دست نمی کند، بلکه بیعت او با زنان با سخن است.

فرمودند: «لا تنتقب المرأة المحرمة ولا تلبس القفازين»<sup>(۱)</sup>.

زنی که در احرام است صورت خود را با نقاب و روبند پوشاند، و همچنین دست کش دست نکند<sup>(۲)</sup>.

[ ( ) : ]

۴۰ - از أبو موسی الأشعری رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله

فرمودند: «حرم لباس الحریر والذهب علی ذکور أمتی، وأحل لإناثهم»<sup>(۳)</sup>.

پوشیدن لباس حریر و طلا برای مردان امت من حرام شده است، و برای زنان حلال است.

[ : ]

۴۱ - عبدالله بن عمرو بن العاص روایت می کند که: «رأی

(۱) البخاري.

(۲) این در هنگام احرام و نبودن مرد نامحرم است، و اگر مرد نامحرم حضور داشته باشد بایستی زن صورت خود را بپوشاند، حال در لباس احرام باشد و یا خیر.

(۳) حسن صحیح أخرجه أحمد والترمذي والنسائي.

النبي ﷺ عليّ ثوبين معصفرين فقال: أأمك أمرتك بهذا؟ قلت: أغسلهما، قال: بل أحرقهما<sup>(۱)</sup>.

پیامبر ﷺ دو لباس معصفر<sup>(۲)</sup> را بر تن من دید، و فرمود: مادرت بتو امر کرده که اینرا بپوشی؟ (یعنی این عمل را انکار کرد)، گفتم: آنرا می شویم؟ فرمود: بلکه آنرا بسوزان.

:]

( )

[

۴۲ - از أبوهریره رضی الله عنه روایت است که پیامبر فرمودند: «ویل

للنساء من الأحمرین الذهب والمعصفر»<sup>(۳)</sup>.

(۱) مسلم.

(۲) الثوب المعصفر: لباسی که با عصفر رنگ شده است.

العصفر: گیاهی است که در زمین عرب است و با آن رنگ می کنند، و دو رنگ است سرخ و زرد.

أمك أمرتك: امام نووی گوید: معنای این جمله این است که: این لباس زنانه است.

(۳) إسناده جيد، أخرجه ابن حبان والبيهقي في شعب الإیمان.

وای بر زنانی (که دو چیز سرخ را برای مردان اجانب و نامحرم نمایان می‌کنند) طلا و لباس سرخ رنگ خود را.

]

[

۴۳ - عبدالله بن عباس روایت می‌کند که: «لعن رسول الله

ﷺ المتشبهن من الرجال بالنساء والمتشبهات من النساء بالرجال»<sup>(۱)</sup>.

پیامبر ﷺ زنانی که خود را به مردان همانند می‌کنند، و مردانی

که خود را به زنان همانند می‌کنند لعنت فرموده است.

والحمد لله الذي بنعمته تتم الصالحات.

وصلی الله علی محمد وآله وصحبه وسلّم

---

(۱) البخاري.